

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه پنجاه و دوم ۹۶/۱۱/۰۲

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۵۱) - آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (۱۹) - ضرورت حضور رسانه‌ای در شبکه‌های وهابی برای پاسخ به شبهات آنها (۱)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

ما مبانی اعتقادی احمد ابن حنبل را که زیر بنای اعتقادی وهابیت است مفصل بحث کردیم و وارد بخش بعدی مبانی اعتقادی وهابیت می‌شویم، این‌ها یک دوره‌ای قبل از قرن هفتم و هشتم هجری دارند یعنی قبل از ابن تیمیه و یک دوره‌ای بعد از مرگ ابن تیمیه در ۷۲۸ تا تقریباً سال ۱۱۵۰ - ۱۱۶۰ دارند. یک دوره‌ای هم بعد از روی کار آمدن محمد ابن عبدالوهاب دارند. محمد ابن عبدالوهاب یک سری تغییراتی در عقاید ابن تیمیه می‌دهد و این‌ها را با یک بسته‌بندی جدیدی مطرح می‌کند. تلاش زیادی می‌کند که حکومتی تشکیل بدهد، چندین بار تلاش می‌کند شکست می‌خورد تا در اطراف ریاض در منطقه درعیه با محمد ابن سعود جد اعلاى ملک عبدالله و فهد با اشراف استعمار انگلیس پیمانی می‌بندد. در سال ۱۱۵۷ هجری قمری (این تاریخ‌ها در ذهن‌تان باشد) اولین حکومت‌شان را در اطراف ریاض تشکیل می‌دهند، اولین شاه آنها محمد ابن سعود و مفتی‌شان هم محمد ابن عبد الوهاب است، فتوا از محمد ابن عبدالوهاب، کشت و کشتار از محمد ابن سعود، بعد از محمد ابن سعود، پسرش روی کار می‌آید.

تا سال ۱۲۳۳ یا ۱۲۳۴ این‌ها در مکه و مدینه درگیر می‌شوند و جنایات زیادی را مرتکب می‌شوند در ۱۲۱۶ تا طائف را قتل عام می‌کنند، در ۱۲۱۷ مکه را قتل عام می‌کنند، در ۱۲۱۸ و ۱۲۱۹ در مدینه کشت و کشتار می‌کنند. تا

این‌که رئیس دولت عثمانی که در آن زمان یک دولت مقتدری بود به خدیو و رئیس جمهور مصر دستور می‌دهد که این‌ها لشکرکشی کنند و وارد عربستان بشوند.

این‌ها تمام بساط وهابیت و مرکزشان را در درعیه با خاک یکسان می‌کنند، حتی یک دیوار یک متری هم باقی نمی‌گذارند. یعنی به طور کلی اثری از آبادی نمی‌گذارند و آخرین پادشاه‌شان را که عبدالله نام داشت دستگیر می‌کنند به استانبول می‌برند و در آن‌جا به دار می‌کشند. در سال ۱۲۳۳ دودمان آل سعود متلاش می‌شوند. هر کدام به یک جایی می‌روند. یکی از فرزندان این‌ها به نام عبدالعزیز که در کویت، پناهنده بود، ماهانه از سفارت انگلیس پول بخور و نمیری می‌گرفت. حدود ۷۰ و اندی سال به همین منوال گذشت.

در سال ۱۳۱۹ عبدالعزیز پدر ملک سلمان از کویت، به طرف ریاض حرکت می‌کند آن‌جا لشکری تشکیل می‌دهد و با حکومت عربستان سعودی که شرفا بودند می‌جنگد که همزمان با تخریب قبرستان بقیع در سال ۱۳۳۴ است.

این‌ها مکه و مدینه را تصرف می‌کنند و دوباره روی کار می‌آیند، اولین کارشان هم تخریب قبرستان بقیع، تخریب حرم حضرت حمزه سید الشهداء و... است.

در طول این مدت که الان در سال ۱۴۳۹ هستیم آخرین فرزندش ملک سلمان است که یکی پس از دیگری دارند به حکومت می‌رسند، تقریباً اولین بار است که اگر این به درک واصل بشود پسرش محمد بیاید تازه در طول این صد و اندی سال فقط یک نسل‌شان عوض می‌شود.

آن‌چه که در ذهنم است ملک عبدالعزیز بالای ۳۷-۳۸ تا دختر و پسر داشت یعنی مدام زن می‌گرفت و فرزندان می‌شد! هم اکنون تقریباً با توجه به قرائنی که به دست می‌آید دودمان آل سعود به جان هم افتاده‌اند و زمینه انقراض این‌ها هم دارد فراهم می‌شود. ان شاء الله در آینده نه چندان دور دودمان آل سعود متلاشی

خواهد شد. بعد از این‌ها چه اتفاقی در عربستان بخواید بیافتد الله اعلم! این در حقیقت خلاصه‌ای از بیوگرافی دودمان آل سعود است.

نکته بعدی مشکلی در رابطه با حوزه‌های ماست که قبلا هم من عرض کردم. کسی به نام سید مهدی موسوی که در حوزه علمیه مرحوم آقای مجتهدی در تهران بوده، ایشان از ایران به هند رفت و بعد از آن به مالزی رفت و عمامه را کنار گذاشت و وهابی شد. ایشان الان در شبکه کلمه برنامه‌هایی علیه شیعه دارد ما هم به بزرگوران حوزه و هم خدمت مراجع اعلام کردیم که خطری برای حوزه‌هاست. همین دو سه روز قبل از یک مرکز امنیتی تماس گرفته بودند گفتند ایشان دارد با هم حجره‌هایش در همان حوزه علمیه تهران و... تماس می‌گیرد و این‌ها را برای وهابی شدن دعوت می‌کند.

این یک خطر جدی برای ما است، مشکل اساسی هم این است که در حوزه‌های علمیه آن اهمیتی را که برای فقه و اصول و... می‌دهیم این اهتمام را برای مسائل کلامی نمی‌دهیم و اصلا بحث پاسخگویی به شبهات و فن مناظره و روش برخورد با شبهات در حوزه‌های ما مغفول عنه قرار گرفته است.

دیشب با این‌که کار زیاد داشتم و ناراحت هم بودم با دقت برنامه‌ای ایشان را از اول تا آخر نگاه کردم. خدمت جناب آقای اعرافی هم خلاصه‌ی برنامه را فرستادیم. امروز صبح جناب آقای ملکی که مسؤل تخصصی تفسیر هم است زنگ زده بود قضیه را به ایشان هم گفتم و این‌که ایشان می‌گویند الان در حوزه علمیه قم درسی به نام تفسیر قرآن نیست، چون عقاید شیعه با قرآن کاملا در تضاد است! اگر بخوانند قرآن را در حوزه به عنوان یک متن درسی بگذارند و حقایق قرآن را مطرح بکنند، مردم، طلبه‌ها و شیعیان از تشیع دست بر می‌دارند!

بعد هم جدول دروس پایه ۱ تا ۶ و ۷ را نشان می‌داد مثلا پایه ۱ تفسیر نمونه جلد اول از صفحه فلان تا فلان مطالعه شود بدون تدریس.

پایه دوم تفسیر نمونه جلد فلان و صفحه فلان امتحان است بدون تدریس فقط با مطالعه. بعد نسبت به تفسیر نمونه گفت که تفسیر نمونه یک تفسیر بی ارزش است.

موضوع بحث‌شان این بود که چرا در حوزه‌های علمیه قرآن تدریس نمی‌شود؟ علتش چیست؟ در پایان هم چند تا از شیعیان تماس گرفتند. من نمی‌خواهم بگویم این‌ها کارشان درست بود و یا درست نبود. ولی مشخص است افراد غیر حوزوی هستند که تماس می‌گیرند از حوزه خبر ندارند و از مبانی اعتقادی هم خبر ندارند در دفاع هم وقتی که می‌آیند درست نمی‌توانند دفاع کنند زیرا کارشناسان آن‌ها در جدل قوی هستند سریع مغالطه می‌کنند، این‌ها را یا قطع می‌کنند یا طوری وانمود می‌کنند که شیعه توان دفاع از خود را ندارد.

من می‌خواهم خدمت شما عزیزانی که چند سال با ما بودید و تا حدودی در این مدت شبهات وهابیت برای‌تان مستدل و مستند مطرح شد عرض کنم، قضیه دفاع از کیان تشیع یک امر واجب و بلکه واجب عینی برای شما دوستانی است که در جلسه ما بودید. اگر برای دیگران واجب کفایی باشد برای رفقای ما در حقیقت واجب عینی است. اولاً تلاش کنید مطالب را از طریق ماهواره و یا از طریق اینترنت و کامپیوتر و موبایل رصد کنید.

من معتقدم دوستان در این زمینه حتی لجنه‌هایی تشکیل بدهند ما حاضریم بعضی از اساتید را بگوئیم که در خدمت دوستان باشند. یا همین کارگاههایی که روزهای چهارشنبه است در این کارگاه مطالب این شبکه‌ها پخش بشود رفقای ما بیایند وارد میدان بشوند. شما در زیارت جامعه کبیره می‌خوانید:

«بأبي أنتم وأمي وأهلي ومالي وأسرتي»

الان حضور رفقای روحانی ما در این رسانه‌ها از اوجب واجبات است و اگر دوستان از باب **من علمنی حرفاً** چهار تا مطلب از ما شنیده باشند و بنده اگر حقی به گردن دوستان داشته باشم من به شما تکلیف می‌کنم و اگر ناراحت نشوید امر می‌کنم که برای دفاع از کیان تشیع در رسانه‌های وهابی حضور جدی داشته باشید.

شما ببینید خود ما چطوری به این جا رسیدیم ما هم مثل صدها طلبه حوزه و یا اساتید در این میدان نبودیم، در این زمان که این بحث‌های متفرقه است زمان ما این بحث‌ها هم نبود. غیر از رسائل و مکاسب دیگر نهایتاً ما باب حادی عشر را مطالعه می‌کردیم امتحان می‌دادیم، چیزی بالاتر از این نبود، درسی هم برای اعتقادات در حوزه نبود. ولی ما با این سنی‌ها و وهابی‌ها در سفرهایی که داشتیم جلساتی گذاشتیم بحث کردیم این‌ها سوال کردند ما دیدیم جواب بلد نیستیم آمدم سوال کردیم و مطالعه کردیم رفتیم سوال‌شان را جواب دادیم و چند تا سوال را هم نتوانستیم جواب بدهیم خجالت کشیدیم بعد آمدم خودمان را مجهز کردیم. الان الحمد لله از فضل الله تبارک و تعالی طوری شده است که عبد الله حیدری (یکی از به اصطلاح کارشناسان شبکه وهابی) می‌گوید من از عکس آقای قزوینی هم می‌ترسم نمی‌توانم در برابر ایشان قرار بگیریم و با او بحث کنم! حتی اسم ما را هم که می‌شنوند بدن‌شان به لرزه در می‌آید!

البته هذا کله من فضل ربی؛ آن ذره که در حساب ناید ماییم؛ در هر صورت دوستان عزیز حضور در این رسانه‌ها یک فرصت خوبی برای شما است که در زمان ما این فرصت‌ها نبود. اگر ما توانستیم در مدت ۱۰ - ۱۵ سال به یک مرحله‌ای برسیم که توانایی پاسخگویی داشته باشیم الان من به شما قول قطعی می‌دهم اگر شما ۲ - ۳ ماه در این رسانه‌ها حضور پیدا کنید قطعاً به یک محقق و مدافع توانمندی تبدیل خواهید شد.

انسان تا به جنگ نرود نمی‌داند اصلاً فنون جنگ چیست و جنگ کردن یعنی چه! تا انسان پشت فرمان ننشیند معنای رانندگی را درک نمی‌کند و اگر هزار بار هم شما بروید آیین نامه‌ی راهنمایی و رانندگی را مطالعه کنید و مثل حمد و سوره هم حفظ بکنید نمی‌توانید رانندگی کنید و اصلاً درک نمی‌کنید رانندگی چیست. ولی وقتی که پشت فرمان می‌نشینید ماشین را این طرف و آن طرف می‌زنید و خدای ناکرده یک کسی را هم زیر می‌گیرید و یک جا اشتباه می‌کنید و ۴ تا جریمه می‌شوید بعد از ۵ - ۶ ماه راننده حرفه‌ای می‌شوید.

لذا من معتقدم در این زمینه عزیزان دقت کنند ما گفتیم که بحث دیشبشان را از اول تا آخر تایپ کنند و فیلم آن را نیز بعد از فشرده سازی در کانال بگذارند تا دوستان ببینند که امروز چه دارد می‌گذرد.

دیروز از آلمان یک کسی با ما تماس گرفته بود، می‌گفت جوان‌های ما دارند شبکه کلمه و شبکه وصال را می‌بینند، عقایدشان دارد متزلزل می‌شود - و یک سری مسائلی را گفت که صلاح نیست من الان مطرح کنم - الان برای جوان‌های ما در دنیای غرب کسی نیست پاسخگو باشد و جوان‌های ما دارند از دست می‌روند شما یک فکری برای جوان‌های شیعه بکنید.

صدا و سیما و رسانه‌های ما و... کار جدی نمی‌کنند. تنها شبکه ولایت بود و با این قضایای اخیری که پیش آمد، این شبکه هم فعلا ساکت شده و صدای محکمی هم از شبکه ولایت پخش نمی‌شود. البته در این باره مسائلی است که خیلی صلاح نیست ما ورود پیدا کنیم - ما باید ببینیم تکلیف ما چیست؟ ما چه کار به دیگران داریم؟ آیا چون دیگران کار نمی‌کنند و نماز نمی‌خوانند من هم نماز نخوانم؟ امروز حضور دوستان ما در فضای رسانه‌ای و فضای مجازی از اوجب واجبات است. من یقین دارم بحث‌هایی که سید مهدی موسوی دیشب مطرح کرد تک تک شما بدون هیچ مطالعه جوابش را در آستین آماده دارید.

در هر صورت ایشان اگر الان بیاید شبها را مطرح کند تک تک شما بلا فاصله جواب می‌دهید یعنی مطالب ارزش‌داری ایشان مطرح نکرد. حالا حیدری، هاشمی و ... آن‌ها یک سری شبهاتی را مطرح می‌کنند که اگر بخواهید جواب بدهید باید مطالعه کنید.

مطالبی که ایشان مطرح می‌کند مطالب خیلی پیش پا افتاده است ولی به خاطر عدم حضور شما چهار تا جوان دانشگاهی، مغازه دار، راننده و ... می‌آیند ورود پیدا می‌کنند یک سوال را جواب می‌دهند در سوال دوم معطل می‌مانند و نمی‌توانند جواب بدهند این برای شیعه بد است.

مثلا یک بیننده‌ای دیشب تماس گرفته بود به جای این‌که بیاید سوالات ایشان را جواب بدهد می‌گوید بن باز آمده همه شیعیان را مشرک اعلام کرده می‌گوید همه شیعیان مشرک و کافر هستند پرسید در کجا؟ گفت در فلان جا و آدرسش را هم آورد و گفت بله بن باز می‌گوید:

«من یدعوا علیا وحسنا و حسینا فهو مشرک»

گفت ما هم قبول داریم هرکس علی، حسن و حسین را عبادت کند مشرک است! این بنده خدا دیگر نتوانست جواب بدهد.

هرکس یا علی و یا حسین بگوید مشرک است این بنده خدا این اندازه اطلاع ندارد اگر یا علی گفتن شرک است

(یا أَبَانَا اسْتَعْفِرْ لَنَا)

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

هم شرک است، شما باید حکم کنید که فرزندان حضرت یعقوب هم همه مشرک بودند، حضرت یعقوب هم در برابر شرک فرزندان‌ش سکوت اختیار کرد، آن هم تأیید شرک کرد.

بحث سر این است که مناظره یک فوت و فنی دارد و یک اطلاعات جامع و حضور ذهن می‌خواهد که همان‌جا جواب بدهد.

ولی هیچ! ایشان که این را گفت سید مهدی موسوی هم گفت بله یکی از اشکالات شیعه این است که این‌ها قرآن نمی‌خوانند بعد یک دو تا آیه را آورد کنار هم گذاشت و گفت به این دلیل بن باز گفته شیعه مشرک است.

(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ)

سوره اعراف (۷): آیه ۱۹۴

دو سه تا آیه را کنار هم گذاشت و ثابت کرد که حرف بن باز کاملاً صحیح است. دو سه نفر از شیعیان که تماس گرفتند هیچ‌کدام نتوانستند جواب بدهند. ان شاء الله من تلاش می‌کنم در جلسات بعدی بخش‌هایی از تماس‌های شیعیان و به مشکل برخوردن آنها را در حضور شما پخش کنم و ببینیم اگر چنین فرصتی برای دوستان پیش بیاید چه جوابی می‌دهند و وظیفه دوستان چیست و چه کار باید بکنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته